

مطالعه تطبیقی نظام آموزش بزرگسالان در جهان و ارائه محورهای مدل کارآمد و موثر برای نظام آموزش بزرگسالان

ویدا رحیمی نژاد

چکیده

این پژوهش بدنبال مطالعه تطبیقی آموزش پایه سواد بزرگسالان در نظام های آموزشی جهان با ایران، به منظور ارائه محورهای مدلی کارآمد برای آموزش و پرورش بزرگسالان در کشور می باشد. برای اجرای این پژوهش از رویکرد بردی که بارزترین شیوه بررسی کیفی در مطالعات تطبیقی است، بهره گرفته شده است. این رویکرد دارای چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه (تطبیق) است و روش این بررسی اسنادی بوده است. اسناد مورد نظر در نهادهای بین المللی مانند سازمان یونسکو، بانک جهانی و همچنین اسناد دولتی مکتوب، مقالات و پژوهش های انجام گرفته قبلی صورت پذیرفته است. چهار کشور پاکستان، مصر، چین و برزیل از بین کشورهای جهان جهت تطبیق با وضعیت سواد در ایران انتخاب گردید. نتایج بررسی حاکی از آن که در برنامه های آموزش بزرگسالان ضروری است جامعه هدف را از گروه بی سوادان به، بی سوادان و کم سوادان تغییر داده و متناسب با آن تعریف باسواد را با ظرفیت های اجتماعی و فرهنگی ارتقا داد و سیاست های بسیج و جذب بی سوادان را بر نقاط شهری بویژه بخش های حاشیه نشین شهری متمرکز نمود.

کلید واژه: سواد ، بزرگسال ، آموزش سواد به بزرگسالان، آموزش مداوم، آموزشیار

مقدمه

آموزش بزرگسالان مفهومی است که در دنیای امروز معانی و دلالت های گسترده ای یافته است و تحت تأثیر قوانین، سیاست ها و مقررات حقوقی کشورها، دچار تعریف های متعددی شده است. در برخی کشورها به جهت وجود توده ای وسیع از مردم بی سواد، آموزش بزرگسالان، مفهومی برای آموزش سواد پایه (خواندن و نوشتن و مهارت حساب کردن) تلقی شده است. در برخی دیگر از کشورها که فارغ از جامعه بی سواد هستند معنایی گسترده و فراگیر پیدا کرده است. و به مدت زمانی که فرد با اختیار و علاقه به کسب دانش یا مهارت بپردازد. آموزش بزرگسال تلقی گردد (صباغیان به نقل از آلن تاف، ۱۳۹۰).

از جهت دیگر توسعه مفاهیم آموزش بزرگسالان ارتباط زیادی به ایدئولوژی های سیاسی، اجتماعی و شرایط اقتصادی هر دوره تاریخی دارد. که به طور مستقیم یا غیرمستقیم آنها را انعکاس می دهند و نوعی نظریه به وجود می آورند که منعکس کننده واقعیات است (صباغیان و اکبری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۱).

از این رو فعالیت در حوزه آموزش بزرگسالان، بیش از آنکه جنبه آموزشی داشته باشد، فعالیتی اجتماعی است. نوع نگاه به بزرگسالان مختصات و محتوای آموزش برنامه‌ریزی شده برای وی را ترسیم می‌کند. لذا برنامه‌ریزی و اجرای آموزش بزرگسالان اساساً اجتماعی است. و این ویژگی پیچیدگی فعالیت در این حوزه را افزون می‌کند. کارکردهای "آموزش" در عرصه اجتماع شناخته شده است. این کارکردها در آموزش بزرگسالان هر چند سبب تنوع دیدگاه‌های نظری شده است، اما ویژگی‌های بزرگسال سبب نزدیکی یا هم پوشانی مرزهای افتراق نظری در بین صاحب‌نظران شده است. به گونه‌ای که گفته شده است. "بسیاری از فیلسوفان آموزش بزرگسالان به صورت چندوجهی کار دارند و کار آنها در زمینه فلسفه‌ای مختلفی طبقه‌بندی و ارزیابی می‌گردد (صبایغان و اکبری، ۱۳۹۰، ص. ۲۸۷).

در ایران نیز عملاً در دهه ۳۰ و ۴۰ آغاز توجه جدی دولت به آموزش بزرگسالان بی‌سواد بوده است. از همان زمان سازمانها و نهادهای متعددی برای آموزش بزرگسالان تشکیل گردید. هر چند تعداد سازمانهای قبل از انقلاب بسیار متعدد و زیاد است.^۱ اما نتایج عملکرد آنها برای توسعه سواد در کشور موفقیت آمیز نبوده است. پس از انقلاب نهضت سوادآموزی عملاً محل اصلی سیاستگذاری و توسعه آموزش سواد پایه در کشور بوده است. هر چند نهاد نهضت سوادآموزی بر خلاف نهاد های قبل از انقلاب عمر طولانی یافت، اما در طی ۳۰ سال طرحها و پروژه‌های متعددی برای کاهش بی‌سوادی در جامعه ایران به اجرا گذاشت. در ابتدا موسیسن یا مسئولان نهضت تصور می‌کردند که می‌توانند در کوتاه مدت، بی‌سوادی را در جامعه ایران محو نمایند (صبایغان، ۱۳۷۲). اما پس از گذشت چند سال متوجه شدند که محو بی‌سوادی امر پیچیده و شایسته تأمل و تلاش بیشتری است. براساس آمار همان گونه که در مقدمه آمده است. دوران طلایی فعالیت نهضت سوادآموزی در دهه دوم انقلاب اسلامی است، یعنی سالهای پس از جنگ تا سال ۱۳۷۵، در این دوران جمعیت بی‌سواد کشور از ۱۴/۸۵۰ هزار نفر به جمعیت ۱۰/۷۱۳ هزار نفر کاهش یافت، اما مجدداً این روند کند شده و براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد بی‌سوادان به ۹/۸۳۸ هزار نفر کاهش یافت.

نهضت سوادآموزی در ابتدا تنها آموزش سواد پایه، یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن را در دو دوره آموزشی مقدماتی و تکمیلی تعریف نمود. و چندین سال صرفاً به آموزش بی‌سوادان در حد همان دوره مقدماتی و تکمیلی همت گماشت. پس از چندین سال (سال ۱۳۶۸) متوجه شد. این دو دوره برای با سواد کردن بزرگسالان و تثبیت سواد آنها کافی نیست، چون نوآموز پس از ترک از جریان سوادآموزی دوباره به بی‌سوادی رجعت می‌کند. به همین جهت دو دوره دیگر به عنوان دوره پایانی و پنجم ابتدایی برای سوادآموزان بزرگسال تعریف نمود. نهضت سوادآموزی به این نیز اکتفا نکرد، و در سال های بعد طرحی با عنوان گروه های پیگیر را راه اندازی نمود تا سواد آموزان دارای مدرک تحصیلی را وادار به بکارگیری سواد پایه کند.

۸. سازمانها و نهادهای زیر با هدف سوادآموزی به بزرگسالان در ایران قبل از انقلاب فعال بوده‌اند. (همایون پور، ۱۳۵۹)

الف. سازمان تعلیمات اکابر (۱۳۲۰-۱۳۱۵)

ب. سازمان آموزش سالمندان (۱۳۳۵-۱۳۳۲)

ج. سازمان آموزش بزرگسالان (۱۳۴۳-۱۳۳۵)

د. کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی (۱۳۵۵-۱۳۴۳)

ه. سازمان جهاد ملی سوادآموزی (۱۳۵۷-۱۳۵۵)

پدیده‌ی رجعت به بیسوادی یکی از مهمترین مسائل نهضت سوادآموزی در دوران فعالیت است. طبق برخی از پژوهش‌ها معلوم گردیده که رجعت به بی سوادی نزدیک به ۵۰٪ نوسوادان آموزش یافته را در بر میگیرد. رضایی ملایری در یک بررسی معلوم کرده است ۴۶/۷٪ درصد سوادآموزان آموزش یافته توسط نهضت به بیسوادی رجعت کرده اند و ارزیابی کرده است که طی ده سال ۶۸-۱۳۵۸ تنها حدود نیم میلیون نفر با کیفیت مطلوب با سواد گشته اند (رضایی ملایری، ۱۳۷۰).

مسئولان نهضت و آموزش و پرورش، در کنار انجام تکالیف قانون برنامه ی توسعه پنجم، به دنبال مطالعه ی چگونگی ادامه ی فعالیت در حوزه ی آموزش بزرگسالان پس از پایان برنامه ی توسعه پنجم هستند. واقعیت آن است، نهضت سواد آموزی چه در ماموریت اخیر موفق باشد، و چه نباشد. از ابتدای سال ۹۴، چگونگی آموزش بزرگسالان بی سواد، موضوع سیاست گذاران و تصمیم سازان کشور خواهد بود.

هدف اصلی این پژوهش مطالعه تطبیقی آموزش پایه سواد بزرگسالان نظام آموزشی کشورهای پاکستان، مصر، برزیل و چین با ایران به منظور ارائه پیشنهاد محورهای تدوین مدل کارآمد و موثر برای نظام آموزش و پرورش بزرگسالان می باشد.

بزرگسال

مفهوم بزرگسالی مبهم و غیر دقیق است. چون در حال حاضر تعداد زیادی از افرادی که به سن پیری رسیده اند، مثل افراد میان سال یا حتی افراد جوان عمل می کنند. به دلیل تغییراتی که در نتیجه حفظ و رعایت بهداشت و تندرستی به وجود آمده است، افراد جامعه، جوان تر و تندرست تر شده اند ولی اصولاً مرحله بزرگسالی از چهار نظر طبقه بندی می شود: سن تقویمی، سن جسمی، سن اجتماعی، سن روانی (صباغیان، ۱۳۹۰).

آموزش بزرگسالان

سالهاست که بحث و گفتگو پیرامون معنی و کاربرد اصطلاح آموزش بزرگسالان ادامه دارد. بحث‌ها حول محورهای زیر بوده است:

الف- تعریف و قلمرو اصطلاح آموزش بزرگسالان

ب- استفاده از مفاهیم معادل یا هم‌تراز به جای آموزش بزرگسالان

ج- ترجمه از زبانی به زبان دیگر

برخی از آشفتگیهایی که در نتیجه این مجادله‌ها به وجود آمده بود در سال ۱۹۷۶ از بین رفت در این سال نمایندگان ۱۴۲ کشور در اجلاس عمومی یونسکو توصیه ای کلی را در مورد گسترش آموزش بزرگسالان تصویب کردند: "اصطلاح آموزش بزرگسالان دلالت دارد بر تمامی مجموعه فرایندهای آموزشی منظم، با هر محتوا و سطح و روشی که باشد، خواه رسمی باشد یا طور دیگر، خواه این فرایندها آموزش مقدماتی در مدارس، در مدارس عالی، در دانشگاهها و نیز در دوره های کارآموزی ما طولانی تر کند و یا جایگزینی آنها شود، به طوری که به وسیله آن افرادی که از نظر جامعه بالغ (بزرگسال) تلقی می شوند بتوانند تواناییهای خود را افزایش دهند، دانش خود را غنی سازند، تخصص های فنی یا حرفه ای خود را کاملتر کنند و یا این که این توانایی ها و تخصصها را

در مسیری تازه به کار بندند و در دو جنبه رشد کامل فردی و مشارکت در رشد متعادل و مستقل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جامعه، تغییراتی در نگرشها یا رفتارهایشان به وجود آورند" (فرجامی، ۱۳۷۲، ۱۹).

این تعریف برای بسیاری به معنای پایان بحث و جدال مصنوعی بود، اگر پذیرفته ایم که جریان آموزش و پرورش باید در سراسر زندگی یک فرد ادامه داشته باشد. دیگر نمی توانیم دلیل بیاوریم که سن معینی را باید به آموزش و پرورش اختصاص داد. با وجود این ممکن است مراحل در زندگی برای تحصیل مناسب تر از دوره های دیگر باشد (لانگران، ۱۳۵۲، ص. ۳۷).

سواد آموزی بزرگسالان

امروز بی سوادی را ناپسند تلقی می کنند و این تلقی کاملاً شایع و گسترده است. در تمام جوامع فرد بی سوادی، ناتوان برای همراهی با جامعه شناخته می شود این تصور که بی سوادی ناتوانی های اجتماعی بسیاری دارد از عمومیت گسترده ای برخوردار است و تقریباً می توان گفت یک باور عمومی و جهانی است.

بی سوادی و سوادآموزی مفاهیمی خاص دوران مدرن است. گستره معنایی که حول این دو مفهوم در دوران مدرن شکل گرفته چه از لحاظ کمی و چه کیفی بسیار متفاوت از دوران ماقبل مدرن می باشد در گذشته سوادآموزی و بی سوادی مسئله اجتماعی به حساب نمی آمد و ضروری تلقی نمی شد انسانها می توانستند بدون احساس نیاز به داشتن سوادی در کار و حرفه خود موفق باشند. اما در جامعه جدید با خصوصیات چون شهرنشینی، صنعتی شدن و روابط اجتماعی جدید تمامی ابعاد زندگی دچار دگرگونی شده است. تمدن جدید بر پایه علم و آگاهی بنا نهاده شده بنابراین توانایی ارتباط برقرار کردن با ابعاد گوناگون جامعه جدید و بهره برداری از آن و داشتن نقش فعال در آن نیازمند علم و همچنین فهم منطق جامعه جدید که با سوادآموزی ربط وثیق دارد، میباشد (معدفر، ۱۳۸۶، ص. ۱۰).

دولت ها تحت تأثیر باور عمومی و جهانی نسبت به رفع این پدیده (بی سوادی از جامعه) سیاستگذاری می کنند. آنها هر چند در توجه و تعهد به موضوع کاهش بی سوادیان یکسان نیستند، اما آشکارا در همه دولت هایی که از انبوه بی سوادی در جامعه برخوردارند سیاستگذاری و برنامه ریزی برای کاهش بی سوادی به چشم می خورد. تفاوت دولت ها با یکدیگر در پشتیبانی سیاسی و مالی از سیاست مذکور است.

شخص باسواد

فردی که بتواند همراه با درک متن های ساده در مورد زندگی روزانه را بخواند و بنویسد و حساب کند و با خواندن قرآن آشنا باشد. بزرگسال بی سوادی

فردی که بالاتر از ۱۵ سال داشته باشد و توانایی خواندن و نوشتن و حساب کردن را نداشته باشد.

اصول آموزش بزرگسالان

منظور از اصول آموزش و پرورش اصولی است که کیفیت و کارایی نظام آموزش بزرگسالان را تضمین می نماید. این اصول شامل اصل هماهنگی، تناسب، تداوم، ارتباطات، انگیزش، سودمندی، فشردهگی، مشارکت، اختیار، نوع، کیفیت، انعطاف، پویایی، احترام،

یادگیری، ضرورت، توجه به نیازهای مخاطبان، آگاه سازی می باشد. این اصول به تفصیل در کتاب مبانی آموزش بزرگسالان (صباغیان، ۱۳۹۰) توضیح داده شده است.

معلمان (آموزشیاران) بزرگسالان

اکثر افرادی که دست اندرکار تأمین امکانات اجرایی یا آموزش بزرگسالان بوده اند یا داوطلبانی بدون حقوق بوده اند یا آن که زندگیشان به حقوقی که دریافت می کرده اند وابسته نبوده است برخی سازمانها به عنوان یک اصل از استخدام کارمندان تمام وقت اجتناب می کرده اند برای این سازمانها بسیار مهم بود که بیشتر بر تعهدات اعتقادی تکیه کنند تا بر انگیزه های مالی مع ذالک با گسترش امکانات آموزشی برای بزرگسالان در سرتاسر جهان، این سازمانها پی برده اند که کارمندان پاره وقت جوابگوی نیازهای آنان نیستند علاوه بر آن، مهارتهای لازم برای اداره فعالیتهای گسترده، اهمیت آموزش بزرگسالان از دید جامعه، توقع شرکت کنندگان، و آگاهی نسبت به این مسأله که مجموعه مستقلی از تخصص ویژه آموزش بزرگسالان به وجود آمده، همه اینها به بروز این احساس کمک کرده اند. که برای پیشبرد آموزش بزرگسالان نه تنها کارمندانی تمام وقت و بالطبع حقوق بگیر بلکه برخوردار از آموزش تخصصی همتراز با کارکنان مدارس، مورد نیاز است (فرجامی، ۱۳۷۲: ۳۷).

از آنجایی که این بررسی به روش تطبیقی است و هدف تطبیق سیاست ها و برنامه های کشورهای چهارگانه در آموزش بزرگسالان با ایران است. از این رو پس از بررسی برای اجرای این طرح از رویکرد بردی که بارزترین رویکرد کیفی در مطالعات تطبیقی است بهره بردیم.

بردی در جریان مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش چهار مرحله را مشخص کرده است که بر اساس این چهار مرحله، این پژوهش انجام گرفت. این چهار مرحله عبارتند از:

- ۱-مرحله توصیف، در این مرحله به اعتقاد بردی پژوهنده باید به توصیف پدیده های تربیتی مورد تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف از طریق مشاهده مستقیم و یا مطالعه اسناد و گزارش های دیگران به دست آورده است، بپردازد. این مرحله شامل یادداشت برداری و تدارک یافته های کافی برای مرحله بعدی است.
- ۲-مرحله تفسیر، این مرحله شامل واری اطلاعاتی است که در مرحله اول پژوهشگر به توصیف آن پرداخته است. تحلیل اطلاعات به اعتقاد بردی بایستی مبتنی بر اصول و شیوه های مرسوم در علوم اجتماعی باشد.
- ۳-مرحله همجواری، طی این مرحله، اطلاعاتی که در مراحل اولیه (۲و۱) بررسی شده اند طبقه بندی می شوند و کنار هم قرار می گیرند و چارچوبی فراهم می شود تا راه برای مرحله ی بعدی، که مقایسه تشابهات و تفاوت های نمود یا پدیده های مورد تحقیق، هموار شود.
- ۴-مرحله ی مقایسه: در این مرحله، مساله تحقیق که در مراحل قبلی، به خصوص در مرحله ی همجواری اجمالا از آن عبور شد، دقیقاً با توجه به جزئیات، بر اساس تشابهات و تفاوت ها مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد و رد یا قبول فرضیه تحقیق در این مرحله امکان پذیر است (آقا زاده، ۱۳۸۲).

کشورهایی که مورد تطبیق قرار گرفته اند چهار کشور پاکستان، مصر، چین و برزیل می باشند.

کشور برزیل سرزمین پهناوری در آمریکای جنوبی است، که با وسعت ۸/۵۱۱/۹۶۵ کیلومتر مربع، بعد از شوروی، کانادا، چین و ایالات متحده آمریکا پنجمین کشور بزرگ دنیا محسوب میشود. برزیل با ویژگیهای خاصی همچون، موقعیت جغرافیایی، وسعت و همسایگی با اکثریت کشورهای آمریکای جنوبی و اقیانوس اطلس جایگاه ممتازی یافته است. این کشور همچنین خلیج ها و بنادر مهمی دارد که در موقعیت استراتژیکی این کشور نقش موثری دارند. از طرف دیگر برزیل در عین داشتن کوهستانهای کم ارتفاع، جلگه های حاصلخیزی هم دارد. وسعت برزیل در مقاسیه با کشورهای دیگر حوزه آمریکای جنوبی چشمگیر است و سهمی برابر با نیمی از آمریکای جنوبی را داراست (رفیعی، ۱۳۷۲، ص. ۱۰)

برزیل در حال حاضر (۲۰۱۲) جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. اما طبق سرشماری های انجام شده، جمعیت برزیل در سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۷۳ میلیون نفر، در سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۸۱ میلیون نفر و در سال ۲۰۰۷ میلادی ۱۹۰ میلیون نفر بوده است. در سال ۲۰۰۷ میلادی حدود ۵۴ درصد از جمعیت برزیل را سفید پوستان تشکیل داده اند. (محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۲۵).

از آنجا که برزیل به صورت جمهوری فدراتیو اداره می گردد، آموزش و پرورش نهادی است که سیاست های ملی آن در دولت فدرال تدوین و مصوب می گردد و برای اجرا با ایالت ها هماهنگ می گردد. تصمیمی گیری و اجرای سیاست های محلی (ایالتی) و نیز اجرای سیاست ملی بعهده ایالت ها می باشد (یونسکو^۲، ۲۰۱۲).

در برزیل نهاد دیگری به جز دولت فدرال و ایالت ها در توسعه آموزش فعال است و آن شهرداری ها هستند. در گزارش های مربوط به برزیل در موضوع آموزش و سوادآموزی، اغلب آن ها به فعالیت های هر سه بخش (دولت فدرال، ایالت ها و شهرداری ها) اشاره می کنند (یونسکو، ۲۰۱۲).

وزارت فدرال آموزش و پرورش دو طرح را برای کاهش میزان بی سوادی پیگیری می کند. از این رو برای هماهنگی با ایالت ها و شهرداری ها دو پیمان نامه (معاهده) تنظیم و به اجرا گذاشته است.

معاهده اول: "معاهده ملی سواد آموزی در سن مناسب" است.

معاهده دوم: "برنامه ملی سواد آموزی" است.

برزیل در زمینه سوادآموزی مردم خود پیشرفت های زیادی داشته است. با توجه به سرشماری سال ۲۰۱۰ میلادی، میزان بی سوادی جمعیت بالای ۱۵ سال به ۹/۶ درصد رسیده است. این در حالیست که سی سال قبل براساس سرشماری سال ۱۹۸۰ میلادی میزان بی سوادی جمعیت بالای ۱۵ سال عدد ۲۵/۴ درصد را نشان می دهد. این پیشرفت به معنای آن است که طی این مدت ۲۲/۸ میلیون نفر از جمعیت جوان، بزرگسال و افراد بالای ۶۰ سال از طریق فعالیت های دولت فدرال، ایالت و شهرداریها و سازمان های غیردولتی با سواد شده اند (یونسکو، ۲۰۱۲).

^۲. UNESCO: Round Table on Literacy, Action Plan for ۲۰۱۲-۲۰۱۵, Ensuring child literacy and decreasing illiteracy rates for young people, adults and the over ۶۰s. Ministry of Education of Brazil. ۲۰۱۲.

در سال ۲۰۱۱ جمعیت پاکستان ۱۷۶۷۴۵۳۶۴ نفر بوده است (بانک جهانی، ۲۰۱۲). براساس گزارش مؤسسه ملی مطالعات جمعیت پاکستان در اسلام آباد^۳، جمعیت تقریبی پاکستان در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۵۹/۰۶۱ میلیون بوده است که ۵۱/۹ درصد به مردان و ۴۸/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۵۱ جمعیت پاکستان ۳۳/۸ میلیون نفر بوده است که در سال ۱۹۷۲-۷۳ به ۶۵/۳ میلیون می‌رسد. نرخ رشد معادل ۳/۵ درصد در سال ۱۹۸۱ بوده که در تاریخ ۲۰۰۲ به ۲/۲ درصد رسیده است (سالم، ۲۰۰۹).

نوع حکومت پاکستان از نوع فدرالی است و هر ایالت (۴ ایالت و مناطق کشمیر و سرحدات شمالی) تحت نظر دولت فدرال می‌باشند. نظام حکمرانی بدین صورت است که رئیس‌الوزرای هر ایالت توسط مجالس قانون گذاری ایالتی انتخاب می‌شود و رئیس‌جمهور نیز حاکم افسان را منصوب می‌کند. اعضای مجالس ایالتی برای مدت ۵ سال و با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند (فلاح زاده، ۱۳۸۵، ص. ۷).

از سال ۱۹۷۲ برنامه تحصیل همگانی از طرف دولت ذوالفقار علی بوتو اعلام شد و اولویت خاصی به سوادآموزی همگانی و امکانات تحصیلی یکسان برای همه داد. اما برای دستیابی به چنین امکاناتی سالها وقت لازم بود. هدف بوتو بیرون آوردن تحصیل از انحصار اشراف و تبدیل آن به صورت یک نیاز همگانی بود. منافع آموزشی در دوران حکومت‌های پیشین بیشتر به شماری از افراد ثروتمند و انحصار طلب محدود می‌شد که میراثی از استعمار بود. از زمان استقلال پاکستان در ۱۹۴۷ تا زمان بوتو ساخت کلی نظام آموزشی پاکستان همان بود که توسط حکومت انگلیسی هند در دوره استعمار شبه قاره مشخص شده بود (فرزین نیا، ۱۳۸۶، ص. ۳۹).

قانون اساسی پاکستان در سال ۱۹۷۳ میلادی مسئولیت‌ها را به ایالت‌ها و مرکز واگذار کرده است. وزارت آموزش و پرورش فدرال مسئول توسعه و هماهنگی سیاست‌های ملی و برنامه ریزی آموزشی که شامل توسعه برنامه درسی است می‌باشد، و مسئولیت اجرای این سیاست‌ها به عهده دولت‌های محلی گذاشته شده است. هر ایالت، بخش آموزش مستقل خود را دارد و نهادهای آموزشی تحت نظارت دولت فدرال و وزارت آموزش و پرورش می‌باشند (یونسکو، ۲۰۰۶).

قانون اساسی پاکستانی که در سال ۱۹۷۳ میلادی تنظیم گردیده است، به سوادآموزی و ریشه کنی بیسوادی در مدت کوتاه را، مورد نظر قرار داده است. یکی از موارد مهمی که در قانون اساسی برای از بین بردن بیسوادی به آن اشاره شده است تحصیل اجباری و رایگان تا سطح ثانویه می‌باشد. این قانون به شرح زیر می‌باشد (سالم، ۲۰۰۹):

دولت:

"مسئول ریشه کن کردن سریع بیسوادی است و تحصیل تا سطح ثانویه رایگان و اجباری است." (ماده ب-۳۷، قانون اساسی پاکستان)

چین با نام رسمی جمهوری خلق چین پر جمعیت‌ترین کشور دنیا است. این کشور که در شرق قاره آسیا واقع شده توسط حزب کمونیست چین در قالب نظام تک حزبی اداره می‌شود (والتون^۴، ۲۰۰۱). این حزب بر ۲۲ استان، ۵ منطقه خودمختار، ۴ شهر با

^۲ . Federally Administered Northern Area

^۳ . Walton, Greg

مدیریت مستقیم (پکن، تیانجین، شانگهای و چونگ کینگ) و ۲ منطقه اداری ویژه بسیار خود مختار هنگ کنگ و ماکائو حکومت می کند.^۵ پایتخت کشور چین پکن می باشد.

زبان رسمی چینی و دارای لهجه های متفاوتی همچون ماندری، پتنگوا، یوا، وی یو، مین بی، میان ژیانگ، ژان، مینیوریتی می باشد (مرکز مطالعات و تحقیقات بودجه دفاعی^۶، ۱۳۹۲).

گروه های نژادی این کشور را چینی با ۹۱٫۹ درصد، ژوانگ، تبتی، میائو، مانچو، مغولی کره ای، و سایر نژادها ۸٫۱ درصد تشکیل می دهند (مرکز مطالعات و تحقیقات بودجه دفاعی^۷، ۱۳۹۲).

بر اساس گزارش سازمان یونسکو در سال ۲۰۱۱ جمعیت چین بالغ بر یک میلیارد و ۳۴۷ میلیون ۵۶۵ هزار نفر می باشد. نرخ رشد سالیانه جمعیت چین ۰/۵ درصد و جمعیت ۱۴-۰ سال چین ۱۹ درصد، جمعیت روستا ۴۹ درصد کل جمعیت چین را تشکیل می دهد. نرخ فقر (کمتر از ۲ دلار در روز) در سال ۲۰۰۹ در این کشور ۲۷ درصد بوده است و نرخ تولید داخلی ناخالص سرانه چین (GDP) ۸۴۰۰ دلار می باشد و نرخ رشد تولید ناخالص در هر سال ۹/۳ درصد گزارش شده است. همچنین کودکانی که به سن مدرسه رسیده اند ولی به مدرسه نرفته اند در سال ۱۹۹۷، ۱۳ درصد گزارش شده است (سازمان یونسکو، ۲۰۱۳).

در سال ۱۹۸۰ میلادی سیاست آموزشی جمهوری خلق چین در ابتدا بر اساس فراهم نمودن امکاناتی برای مدرنیزه کردن اقتصاد کشور طراحی شد. از این جهت به آموزش نیروی انسانی ماهر و توسعه علوم فنی و علمی اولویت داده شد. در واقع؛ آموزش و پرورش بعنوان ستون اصلی "چهار مدرنیزاسیون" توسط رهبران حزب کمونیست چین خوانده شد (چین^۸، ۱۳۸۵، ص. ۹۰).

در طی ده سال از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، جمعا ۴۶٫۵۲ میلیون بیسواد، قادر به خواندن و نوشتن شده اند. سر شماری ملی نشانگر آن است که تعداد بیسوادان ۱۵ ساله و بیشتر، از ۱۸۲ میلیون به ۸۵ میلیون کاهش یافته، و نرخ بیسوادی در میان بزرگسالان نیز از ۲۲٫۲٪ به ۹٫۱٪ کاهش یافته است^۹؛ همچنین بیسوادی در افراد ۱۵ تا ۵۰ ساله نیز از ۶۱٫۷۱ به ۲۲ میلیون نفر، و میزان بیسوادی در افراد جوان و میانسال از ۱۰٫۴٪ به ۴٫۸٪ کاهش یافته است^{۱۰}. چین در مناطقی که ۸۵٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می دهند، به اهداف مورد نظر خود رسیده است (یونسکو، ۲۰۱۰).

علاوه بر حزب کمونیست به هشت حزب دیگر به عنوان "احزاب دموکراتیک" اجازه فعالیت محدود داده شد. ولی هیچگونه نفوذ واقعی یا نقشی در نظام سیاسی ندارند. این حزب ها عبارتند از: اتحادیه چین برای پیشرفت دموکراسی، جامعه دموکراتیک چین، اتحادیه دموکراتیک چین برای نوسازی ملی، چی گنگ دانگ چین، حزب دموکراتیک دهقانان و کارگران چین، کمیته انقلابی کومینگ دانگ، انجمن جیوسان، و جامعه خود مختاری تایوان (کتاب سبز، ۱۳۸۶^۵).

^۶ . <http://hvm.ir/files/pajohes/amniat/china.pdf>

^۷ . <http://hvm.ir/files/pajohes/amniat/china.pdf>

^۸ . چین، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.

^۹ . از سال ۱۹۹۰، چین مساله ی سواد جوانان و بزرگسالان (۱۵ تا ۵۰ ساله) را در اولویت کار قرار داده است. در این میان، در فرآیند اجرایی، افراد مسن تر (۵۰ ساله به بالا) نیز در نظر گرفته شده اند. بعنوان مثال، در برخی مناطق کالج هایی مختص افراد میانسال ساخته شده و برخی کالج های عمومی نیز دربردارنده ی افراد مسن با انگیزه ی بالای یادگیری هستند. بطور همزمان، آمار نرخ بی سوادی بزرگسالان درصدي از جمعیت بیسواد ۱۵ ساله و یا بالای ۱۵ سال و بیشتر از آن بوده، که شاما افراد مسن تر نیز می شود.

^{۱۰} . به کمیسیون ملی چین برای یونسکو (UNESCO) و مرکز ملی تحقیقات و توسعه آموزش (۲۰۰۷) رجوع شود. گزارش ملی ارزشیابی نیم دهه آموزش همگانی چین و کمیسیون ملی چین برای یونسکو (UNESCO)، (۲۰۰۸) گسترش آموزش بزرگسالان و گزارش آموزش در چین.

از آنجاییکه میزان بیسوادی میان زنان اصولاً بیشتر از مردان است، زنان بیسواد همواره در مرکز توجه سوادآموزی چین قرار داشته اند. در طول یک دوره از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۸، نرخ سوادآموزی زنان به میزان چشم گیری افزایش یافته است؛ بگونه ای که ۷،۵ میلیون زن از ۱۳،۴۷ میلیون نفر، در کلاس های سوادآموزی شرکت کرده و باسواد شدند که حدود ۵۶٪ از کل را تشکیل می دادند. در نتیجه نرخ سوادآموزی زنان بزرگسال از ۸۳،۱۲٪ به ۸۸،۴۸٪ رسیده است که حدود ۵،۴٪ افزایش یافته است. این رشد به صورت مشخص بیشتر از نرخ سوادآموزی مردان (۲،۴٪) است. شاخص تساوی جنسی در نرخ سوادآموزی بین بزرگسالان از ۰،۸۸۸ به ۰،۹۲۲ رسید (یونسکو ۲۰۱۰).

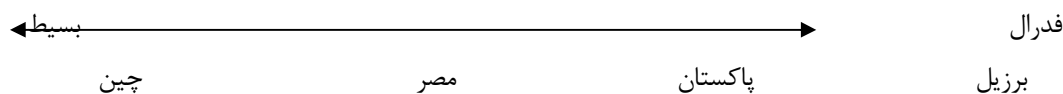
از بعد جغرافیایی، مصر فصل مشترک قاره های جهان قدیم، افریقا، آسیا و اروپا است. علاوه بر این، دو دریا، دریای سرخ و مدیترانه، دو خلیج، کانال سوئز و خلیج عقبه^{۱۱} را در بر می گیرد. کانال سوئز، یکی از مهم ترین راه های آبی جهان، در سرزمین مصر جریان دارد. یک ششم دیگر مصر، در قاره ی آسیاست. بدلیل چنین موقعیت مهم جغرافیایی، مصر همواره نقطه تلاقی برخورد های فرهنگی شرق و غرب، و شمال و جنوب بوده است.

کشور مصر، دارای تاریخ منحصر بفردی، به دلیل داشتن وضعیت جغرافیای ممتاز است. از زمان فراغه تا به امروز، جمعیت آن در نوار باریک دره ی نیل و دلتا جمع شده است. این منطقه پرجمعیت دارای ۵۳٪ کل سرزمین مصر است. سرشماریهای که در قرن بیستم انجام شده افزایش دایمی جمعیت مصر را نشان داده اند.

در سال ۱۹۹۹ میلادی وزیر آموزش و پرورش وقت مصر سواد و اهداف سوادآموزی را بدین صورت تعریف نمود:

" فراهم آوردن زمینه هایی برای بی سوادان جهت دستیابی به مهارت های پایه خواندن، نوشتن و حساب کردن به نحوی که این افراد قادر به سازگاری با سطوح مختلف حرفه ای در سازمان های مختلف گردند و بتوانند در حوزه های مختلف توسعه فراگیر مشارکت نمایند. به علاوه آنها را مجهز به مهارت های حرفه ای و تجربیات لازم در حوزه های فنی و همچنین دانش پایه در موضوعات مختلف نماید (یوسف، ۲۰۰۷، ص. ۷)."

ساختار سیاسی کشورهای برزیل و پاکستان با تفاوتهایی در نظام تصمیم گیری فدرال اند. مصر و چین بسیط هستند اگر بخواهیم براساس توزیع جغرافیایی اختیارات آنها را دسته بندی کنیم. جاهای آنها در طیف زیر اینگونه است.



سه کشور برزیل، پاکستان و مصر، ریشه کنی بیسوادی و محو آن را در قانون اساسی خواستار شده اند. در چین حزب کمونیست که بالاترین مرجع تصمیم گیری در چین است خواستار محو بی سوادی شده است. در واقع همه کشورهای چهارگانه در عالی ترین مرجع قانونی به محو بی سوادی تأکید کرده اند. از این رو تلاش برای آموزش سواد به بزرگسالان یکی از سیاست های محوری کشورهای چهارگانه است.

^{۱۱}.Aqaba Gulf

هر چهار کشور مراجع قانون گذاری یا عالی ترین مراجع تصمیم گیری (کنگره، مجلس قانون گذاری، کمیته مرکزی حزب کمونیست) برای آموزش سواد به بزرگسالان را آشکار کرده است.

مصر سازمانی ویژه با عنوان «آژانس سوادآموزی» با مسئولیت نخست وزیر خارج از سیستم آموزش و پرورش رسمی پایه گذاری کرده است و این سازمان متناظر با ساختار حاکمیتی مصر در استانها، شهرستانها و شهر و روستا دارای واحد اجرایی است. در برزیل علیرغم فدرالی بودن گویا سیستم ثابتی در آموزش و پرورش و آموزش سواد به بزرگسالان در همه ایالت ها دارند آموزش سواد به بزرگسالان در دل وزارت آموزش و پرورش قرار دارد.

در پاکستان هر چند سیاستگذاری در حوزه سوادآموزی به عهده وزارت فدرال آموزش و پرورش است، اما برخی ایالت ها ساختارهای متفاوتی برای اجرا دارند. گذشته از آن دولت پاکستان پایه گذار بنیادها و مؤسسات دیگری است که به آموزش سواد به بزرگسالان می پردازند. در مجموع پاکستان از تنوع زیادی در آموزش سواد به بزرگسالان برخوردار است.

چین علیرغم آنکه ساختار سیاسی بسیطی دارد. اما استانها از اختیارات زیادی در بحث سوادآموزی برخوردارند. وزارت آموزش و پرورش مرکزی مسئول برنامه ریزی و اجرا می باشد. اما استانها در تدوین برنامه درسی، تألیف کتب درسی و اجرا دارای اختیارات هستند.

برزیل جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ میلیون نفر را در خود دارد. براساس اطلاعات ارائه شده در فصل چهارم حاکی از آن است که جمعیت برزیل در دو دهه اخیر از نرخ رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است بطوری که از این سهم نوجوانان و جوانان در جمعیت برزیل امروز بالاست (جمعیت زیر ۳۰ سال ۵۷ درصد کل جمعیت برزیل است) به همین دلیل سهم هزینه آموزشی در کل هزینه حکمت به طور مستمر بالا رفته است (در سوال هفتم توضیح داده خواهد شد) به لحاظ سکونت ۲۵ درصد جمعیت در روستاها و ۷۵ درصد در شهرها زندگی می کنند.

جمعیت برزیل همگون نیست و به لحاظ نژادی سه نژاد سفید، سیاه و سرخ پوست با یکدیگر زندگی می کنند ولی طی دوران ۵۰۰ ساله زندگی مشترک تعلقات ملی بر نژادی غلبه یافته است سفیدپوستان همچنان اکثریت را در برزیل دارند (۵۷ درصد) زبان ملی مبرزیل، پرتغالی است که از گروه زبانهای لاتین است و زبان ملی و آموزشی کشور است. نابرابری ها در برزیل در اغلب جنبه های اجتماعی، اقتصادی پررنگ است و همین عامل یکی از دلایل عقب ماندگی بخشی از جامعه برزیل از آموزش سواد است.

گویا برزیل از حدود ۷۵ سال قبل (۱۹۳۴ میلادی) جنبش سوادآموزی به بزرگسالان را آغاز کرده است اما از آنجا که جامعه برزیل در این دوران از تحولات سیاسی زیادی برخوردار بوده است. این حرکت (سوادآموزی) مستمر نبوده است از سال ۱۹۸۸ که ثبات سیاسی (طی این ۲۷ سال) برای جامعه برزیل فراهم آمده است با اتکا به قانون اساسی و مصوبات کنگره سوادآموزی روندی مستمر و رو به رشد داشته است. به طوری که در سال ۱۹۸۰ جمعیت بی سواد بالای ۱۵ سال سهم بیش از ۲۵ درصد را در کشور دارا بودند این سهم دائماً در طی این مدل کوچک شده است به طوری که در سال ۱۹۹۵ به ۱۶/۷ درصد و در سال ۲۰۱۰ میلادی به ۹/۶ درصد رسیده است که حدود ۱۴ میلیون نفر می شود.

علی رغم پیشرفت تلاش سوادآموزی در برزیل اما به دلیل نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی و تعلقات قومی و طایفه ای در برخی از مناطق و ایالت های برزیل سهم جمعیت بی سواد برخی ایالت ها ۲۵ درصد و در برخی ایالت که دیگر سهم ۳ درصد دارا هستند که حاکی از مشکلات جدی سوادآموزی برزیل است در کنار آن تلاش های دولت فدرال و ایالتی برزیل برای پوشش تحصیلی کودکان موفقیت آمیز بوده است. بطوری که بین سالهای ۲۰۰۰ میلادی تا ۲۰۱۰، ۲۸/۲ درصد سهم کودکان بیرون مانده از دایره آموزش

کاهش یافته است و سهم عمده ناتوانی برزیل در پوشش کامل (۱۰۰ درصدی) تحصیلی کودکان مناطق توسعه نیافته شما و شمال شرق برزیل است در سال ۲۰۱۱، تنها ۲/۹ درصد از کودکان زیر ۲۴ سال از تحصیل محروم مانده اند از جهت دیگر تلاش برزیل در سوادآموزی به بزرگسالان موفق ارزیابی می شود و آن کاهش فاصله نرخ با سواد زنان و مردان است. در سال ۲۰۱۱ میلادی ۹۱/۶ درصد سهم با سوادان از جامعه برزیل است که سهم مردان ۹۲/۲ درصد و سهم زنان ۹۰/۹ درصد است. از جهت دیگر همچنان سهم جمعیت بی سواد روستا در برزیل بالاست در سال ۲۰۱۰ و ۲۳/۱ درصد بی سواد در روستاهای برزیل زندگی می کرده اند.

نکته جالب آن است: تعداد کودکان بی سواد پسر بازمانده از تحصیل بیش از دختران است و نرخ کاهش بی سواد در مناطق دارای جمعیت بی سواد زیاد بسیار بیشتر از مناطق دیگر است.

جمع بندی و پیشنهادات

نتایج بررسی حاکی از آن که در برنامه های آموزش بزرگسالان ضروری است جامعه هدف را از گروه بی سوادان به، بی سوادان و کم سوادان تغییر داده و متناسب با آن تعریف باسواد را با ظرفیت های اجتماعی و فرهنگی ارتقا داد و سیاست های بسیج و جذب بی سوادان را بر نقاط شهری بویژه بخش های حاشیه نشین شهری متمرکز نمود. یکی از چالش های سوادآموزی در همه کشورها بحث بازگشت بی سواد است، که با مفاهیم آموزش پس از سواد، تحکیم و تثبیت سواد یا آموزش مداوم مربوط می گردد، در واقع این مفاهیم و عبارت ها اشاره به همان مسئله رجعت به بی سواد می کنند. کشورهای برزیل، پاکستان، چین و مصر همگی به این مسئله اشاره و برنامه هایی را ارائه داده اند، اما در میان آنها بر اساس گزارش های ارائه شده، چین به این مشکل توجه کرده و آموزش های پس از سواد را به طور جدی پیگیری و برنامه ریزی کرده است.

در هر چهار کشور معلوم شده است که کاهش نرخ بی سواد در مناطق شهری توسعه یافته، به کندی پیش می رود. مراکز جمعیتی توسعه یافته برزیل، که نرخ بی سواد آن ها ۳ درصد یا ۴ درصد است، طی ۱۰ سال فعالیت نهادهای سوادآموزی به بزرگسالان، نرخ بی سواد آنان تغییر چندانی نکرده است، بعلاوه مناطق کمتر توسعه یافته که دارای نرخ بالای بی سواد هستند در کاهش نرخ ملی سواد سهم بیشتری نسبت به مناطق توسعه یافته دارند

منابع

آقازاده، احمد (۱۳۷۹). آموزش و پرورش تطبیقی. چاپ دهم. تهران: دانشگاه پیام نور.

صباغیان، زهرا و اکبری، سهیلا. (۱۳۹۰). مبانی آموزش بزرگسالان. سمت: تهران.

ماده ب-۳۷، قانون اساسی پاکستان

فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۶). پاکستان. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

معید فر. (۱۳۸۶). فراتحلیل مطالعات در باره علل افت کمی و کیفی سوادآموزان در دوره های سوادآموزی در ایران. طرح پژوهشی.

رضایی ملایری، احمد (۱۳۷۰). میزان و علل اجتماعی رجعت به بی سوادی نوسوادمدرک گرفته از نهضت سوادآموزی در سراسر ایران در فاصله ساله های ۱۳۶۸-۱۳۵۸. پایانامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تهران.

<http://hvm.ir/files/pajohes/amniat/china.pdf>

Saleem, Muhammad (۲۰۰۹). The Development and State of the Art of Adult Learning and Education (ALE): National Report of Pakistan. UNESCO.

Yousif, Abdelwahid Abdalla (۲۰۰۷). Adult Literacy and Adult Education in the Arab States: Bahrain, Egypt, Oman, Saudi Arabia, Sudan, Syria and Yemen.

UNESCO: Round Table on Literacy, Action Plan for ۲۰۱۲-۲۰۱۵, Ensuring child literacy and decreasing illiteracy rates for young people, adults and the over ۶۰s. (۲۰۱۲). Ministry of Education of Brazil.